



بررسی تاثیر چند رسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر قائم‌شهر

یاسمن عباس‌زاده^۱

مارال عباس‌زاده^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی، انجام شد. این پژوهش به روش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه‌های آزمایش و کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان قائم‌شهر در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۰۰ بود که تعداد ۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و به صورت کاملاً تصادفی (بر اساس قرعه‌کشی) در گروه‌های آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) قرار گرفتند. برای آزمودنی‌های گروه آزمایش، آموزش فلسفه برای کودک بر پایه چندرسانه‌ای، با روش پیشنهادی فیلیپ کم (۱۹۹۴) طی ۸ جلسه و به مدت یک ماه، اجرا شد. در حالی که، اعضاء گروه کنترل در این مدت آموزش مشابه‌ای دریافت نکردند. ابزار اندازه‌گیری در پیش‌آزمون و پس‌آزمون پرسشنامه حل مسئله هینر (۱۹۸۸) و عملکرد تحصیلی فام و تیلور (۱۹۹۹) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس (ANCOVA) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$) انجام شد. یافته‌ها نشان داد که چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی تاثیر معناداری دارد. همچنین، چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی تاثیر معناداری دارد. بنابراین، معلمان پایه سوم ابتدایی برای بهبود، ارتقاء و یا تقویت حل مساله و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان می‌توانند از چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بهره‌گیرند.

واژگان کلیدی: فلسفه برای کودک (P4C)، حل مسئله، عملکرد تحصیلی، چندرسانه‌ای.

۱. معلم پایه سوم دبستان پسرانه مسعود دهقان قائم‌شهر (abbaszadehyasaman@gmail.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

مقدمه

امروزه، نیروی انسانی ارزنده‌ترین سرمایه هر کشور محسوب شده و پیشرفت، بالندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشورها در گرو افزایش سطح آگاهی افراد آن جامعه خواهد بود. از این رو، رسالت اصلی نظام‌های آموزشی، تربیت نیروی انسانی لازم برای این رشد و پیشرفت به‌شمار می‌رود و آموزش و پرورش، نقش بسیار مهمی در این میان ایفا می‌کند. امکانات آموزشی مناسب، معلمان با تجربه و محیط غنی، تنها در کنار ذهن پویا، فعال و مشتاق کودکان، نوجوانان و جوانان، پیشرفت و سازندگی کشور را به دنبال دارد (یزدانی، ۱۳۹۱). اگرچه، آموزش ابزار سرمایه‌گذاری با بازدهی اقتصادی و اجتماعی است. اما، بررسی نظام‌های آموزشی نشان می‌دهد که فرآیند آموزش و یادگیری در همه آن‌ها کارایی و اثربخشی یکسانی نداشته و تأثیرات آن در جوامع مختلف، متفاوت است. از این رو، برنامه‌ریزان آموزشی به دنبال اثربخش کردن فرآیند یادگیری در جریان آموزش هستند (بهرنگی و رشیدی، ۱۳۹۵). از سویی، با ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییرات فراوانی در نحوه زندگی بشر، از جمله نظام‌های آموزش و مراکز یادگیری به وجود آمده است. بدین ترتیب، شکل یادگیری و آموزش از حالت فیزیکی که وابسته به زمان و مکان است، خارج شده و به صورت مجازی درآمده است که نمی‌توان برای آن حد و مرزی قایل شد. در بسیاری از کشورها به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزشی به منظور ارتقای کیفیت روش‌های یاددهی-یادگیری مورد توجه بوده و استفاده از این فناوری در مدارس به دلایل اثبات شده تربیتی، اجتماعی و اقتصادی یک ضرورت اساسی تلقی شده است (رضایی‌راد، ۱۳۹۲). اگر چه آموزش رایج در اکثریت مدارس کشور، آموزش سنتی و یا به‌عبارت‌دیگر، آموزش فقط شنیداری می‌باشد و حداکثر اقدام تصویری در خصوص موضوعات مورد آموزش، نصب بعضی از پوسترهای رنگی بر روی تخته سیاه کلاس می‌باشد. اما، در روش دیداری-شنیداری مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش به کمک فیلم، انیمیشن، نماهنگ و غیره ارائه می‌گردد. در این روش، ماندگاری مطالب قریب بیست سال می‌باشد در حالی که ماندگاری مطلب در روش شنیداری، حداکثر شش ماه است. در ضمن، در روش دیداری-شنیداری مطالب علمی در محیطی جذاب‌تر و در مدت زمان کمتر قابل انتقال است. با این حال، در مدارس معمولی، طرح درس معلم، شامل مجموعه‌ایی از دستورالعمل‌ها، برنامه‌های درسی، سوالات و تمرینات اضافه، امتحانات کلاسی و مواردی از این دست است. در حالی که در مدارس چندرسانه‌ایی، علاوه بر این موارد، معلم از مواد آموزش چندرسانه‌ای شامل فیلم، عکس، صدا، اسلاید و غیره نیز استفاده می‌کند تا کیفیت و ماندگاری آموزش را ارتقا بخشد (حسینی و نوری، ۱۳۹۴). با این وصف، از مهم‌ترین کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند یاددهی و یادگیری، آموزش الکترونیکی است و آن شیوه‌ای نوین در آموزش و یادگیری است که به ارائه و اداره فرصت‌های یادگیری برای ارتقاء دانش و مهارت فراگیران از طریق اینترنت و شبکه‌های کامپیوتری می‌پردازد و ماهیت تحصیل و دانش‌اندوزی را از آموزش به یادگیری تبدیل کرده است (هالکت، ۲۰۰۲). بنابراین، انتخاب و کاربست فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند یاددهی و یادگیری، به تقویت و بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری، پاسخ به نیاز دانش‌آموزان جهت فعالیت‌های آموزشی به‌صورت الکترونیکی، افزایش انعطاف‌پذیری در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی با توجه به از میان برداشته شدن محدودیت‌های زمانی و مکانی، برقراری تعامل مستمر و غیره می‌انجامد (شریف خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین، اگر بخواهیم کودکان را برای چالش‌های آینده آماده کنیم، باید مهارت‌های ویژه‌ای را به آن‌ها بیاموزیم که بر اساس آن بتوانند بر زندگی و یادگیری خود مسلط شوند، آن‌ها نه به کسب دانش، بلکه مهم‌تر از آن، به قابلیت کسب دانش جدید نیازمندند. آنان به دانشی نیاز دارند که خود به دست آورده باشند، دانشی که خود تولید یا بازتولید کرده باشند (کوستا، ۲۰۰۶). شالوده مهارت‌های فکری کودکان باید از همان سال‌های اولیه زندگی‌شان پی‌ریزی شود، زیرا فراخ‌اندیشی در همان سال‌هایی آغاز

می‌شود که شخصیت کودک شکل می‌گیرد. آن‌ها باید با نگرشی باز به آینده خود بنگرند، فراخ‌اندیشی باعث می‌شود تا فرد خودمحور نباشد و تعصب نوزد (ماهرزاده و رمضان‌پور، ۱۳۹۰). با توجه به این که عمده فعالیت‌های مدرسه متوجه کودکان و نوجوانان است، اگر کودکان در زمان اشتغال به تحصیل در مدرسه اندیشیدن را نیاموزند، چگونه می‌توانند به یادگیری ادامه دهند (پروینیان و همکاران، ۱۳۹۵). از همین‌رو، در چند دهه اخیر فلسفه و آموزش فلسفه، به‌عنوان روشی برای پرورش فکر، مورد توجه قرار گرفته است. آموزش فلسفه برای کودکان می‌کوشد که مجموعه مهارت‌های تفکر را در کودکان و نوجوانان ارتقا دهد. مهم‌ترین این مهارت‌ها، مهارت تفکر نقادانه، تفکر خلاقانه و تفکر مراقبتی است. اگر این مهارت‌ها به خوبی پرورش یابند، مهارت‌های بسیار دیگری نیز ارتقا می‌یابند، مانند مهارت پرسشگری، موافقت یا مخالفت کردن، دلیل آوردن و شناسایی دلایل قوی و ضعیف، نگرستن از منظری متفاوت، ایجاد سازگاری منطقی میان باور و گفتار و رفتار، ارائه طرح و فرضیه یا تبیین، مثال یا مثال نقض آوردن، مقوله‌بندی و طبقه‌بندی، مقایسه کردن (تمایز قائل شدن، پیوند زدن و تمثیل)، ارائه تعریف، شناسایی پیش‌فرض‌ها، استنتاج کردن، با دقت به دیگران گوش‌دادن، به دیگران اهمیت‌دادن، قبول انتقادهای منصفانه، تجدیدنظر کردن، پیش‌بینی و کشف پیامدها، مفهوم‌سازی و درک و تجزیه و تحلیل مفاهیم و مهارت حل مسئله (جعفری و همکاران، ۱۳۹۴). در این میان، فلسفه برای کودکان، برنامه‌ای است که کودکان مدرسه‌ای را در تمام مباحث کلاسی در زمینه موضوعات فلسفی مشارکت می‌دهد. این برنامه، بهبود تفکر کودکان، از طریق معرفی بسیاری از سوالات بزرگ به آن‌ها و توانا ساختن آن‌ها به بررسی چنین سوالاتی است. با استفاده از این برنامه، معلمان، دانش‌آموزان را به تفکر عمیق‌تر بر روی ایده‌هایی که در پس کار مدرسه‌ای آن‌ها قرار دارد، تشویق می‌کنند. این اقدام عمدتاً در یک اجتماع پژوهشی مانند کلاس درس صورت می‌گیرد. دانش‌آموزان عمیقاً بر روی تفکر خود و مهارت‌های مورد استفاده خود تمرکز خواهند کرد و سپس آن‌ها را هنگامی که در حال بررسی و تقویت ایده‌های خود و دیگران در پاسخ به معماهای فلسفی هستند، بهبود خواهند بخشید. براین اساس، فلسفه برای کودکان بر این ایده مبتنی است که کودکان قابلیت‌ها و توانایی‌های استدلال و دانش خود را در یک اجتماع می‌سازند. در این میان، نقش معلمان، آماده کردن دانش برای بلعیده شدن به وسیله کودکان نیست، بلکه تدارک مدلی از متفکر مجرب برای شاگردان متفکر کلاس و تضمین حفظ تفکر سطح بالا در کلاس است (پروینیان و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از مؤلفه‌های اصلی برنامه، کتاب‌های آن است. برای انجام این برنامه کتاب‌های داستانی ویژه‌ای تألیف شد. این کتاب‌ها در سرتاسر جهان به فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف ترجمه می‌شوند. برخی از کشورها همچون دانمارک نیز با استفاده از این کتاب‌ها، داستان‌هایی از فرهنگ بومی خود استخراج کرده و جایگزین آن‌ها کرده است. این داستان‌ها به‌گونه‌ای نوشته می‌شوند که در آن برخی ایده‌های فلسفی کاملاً متفاوت، بدون ترتیب خاص در صفحات پخش می‌شود. کودکان با کنجکاوی ذاتی شان نمی‌توانند از برانگیخته شدن توسط آن‌ها خودداری کنند. حتی دل‌شان می‌خواهد سایر اعضای کلاس نیز آن‌ها را بیازمایند و مورد بحث قرار دهند. مؤلفه دوم، شکل کلاس و نحوه پیشرفت آن یعنی کلاس‌داری است. این شیوه به حلقه کندوکاو مشهور است. برای این که محور آموزش و پرورش تحقیق و کندوکاو باشد، لازم است که کلاس‌های درس تبدیل به حلقه یا انجمن شوند که در آن از رابطه دوستی و همکاری جهت مشارکت مثبت در فضای آموزشی استقبال می‌شود. ویژگی خاص حلقه‌های کندوکاو عبارتند از تأمل و تعمق غیرخصمانه، شناخت‌های مشترک، ایجاد و بالا بردن سواد، فرهنگ و تخیل فلسفی، تقویت توانایی مطالعه و درک عمیق متون بر اساس دیالوگ و گفتگو و لذت بردن از آن‌ها و حلقه کندوکاو برای تأمین همین اهداف طراحی شده است (خانیکی و همکاران، ۱۳۹۶). با این وصف، از جمله ویژگی‌های دانش‌آموزان مخصوصاً کودکان که به نظر می‌رسد متأثر از آموزش فلسفه باشد، حل مسئله است. در واقع، از روش‌های بسیار مناسب که یکی از اهداف اصلی آن آموزش مهارت حل مسئله است، برنامه فلسفه برای کودکان است. حل مسئله یا مسئله‌گشایی فرآیندی است شناختی که به وسیله آن فرد می‌کوشد راه حل مناسبی برای یک مشکل پیدا کند (پرلا و اودانل^۱، ۲۰۰۴). در حقیقت، حل مسئله یکی از

توانایی‌های عالی ذهن است. در مهارت حل مسئله فرد باید با برقراری روابط بین تجربه‌های گذشته و مسئله، رابطه بین آن‌ها را کشف و با توجه به آن، راه حل‌های مناسب را اتخاذ کند (ایسرا، ۲۰۱۳). به عبارتی دیگر، حل مسئله، عمل تصمیم‌گیری است که شامل شناخت و شناسایی وضعیتی است که در آن تصمیم‌گیری، جمع‌آوری اطلاعات، بررسی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی وضعیت موجود انجام می‌شود، پیامدهای رفتار در آن وضعیت و گرفتن بازخورد از محیط اجتماعی توسط فرد ارزیابی می‌شود و در نتیجه شخص با جایگزین کردن تصمیم‌هایی که می‌تواند نتایج مثبت و مؤثرتری را برای زندگی وی در پی داشته باشد، اقدام به اتخاذ تصمیمی مناسب‌تر می‌کند (ایروزکان، ۲۰۱۳). داشتن ذهن خلاق و جستجوگر با توانایی‌های بالای حل مسئله و تحقیق برای جمعیت هر کشوری می‌تواند متضمن اقتدار ملی آن کشور در عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره باشد، با وجود این، حتی در گروه‌های فلسفه دانشگاه‌ها نیز بسیاری از دانشجویان فاقد قدرت تمیز، داوری و استدلال هستند و با وجود شرایط و برنامه‌های آموزشی حاضر، بعید به نظر می‌رسد به این توانایی‌ها دست یابند. البته این معضل به کشورهای جهان سوم محدود نمی‌شود، بلکه در کشورهای پیشرفته و غربی نیز این امر محسوس بوده است. بدین منظور به برنامه‌ای که مناسب فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی باشد و قدرت قضاوت درست در دانش‌آموزان را تقویت کند، نیاز داریم. اگر بتوانیم قدرت حل مسئله، استدلال، داوری و تحقیق در همه زمینه‌ها را به کودکان بیاموزیم، این توانایی‌ها می‌توانند زندگی اجتماعی و شخصی فرد را در ابعاد معنوی و مادی ارتقا دهند. چنان که استاد مطهری معتقد بود باید نحوه استنباط و قضاوت کردن را به کودکان یاد بدهیم تا بتوانند از لحاظ فکری تا آن‌جا که ممکن است مستقل بار بیایند (دره زرشکی و همکاران، ۱۳۹۶). از همین رو، در سال‌های اخیر، علاقه به تقویت مهارت‌های تفکر و بالابردن سطح یادگیری و باسوادی در نظام آموزش و پرورش جهان به طور فزاینده‌ای رواج یافته است و به دنبال آن از دهه ۱۹۷۰ نهضت‌های تربیتی متعددی، از جمله آموزش تفکر خلاق، آموزش تفکر انتقادی، برنامه درسی فکورانه، آموزش مهارت‌های حل مسئله، و برنامه فلسفه برای کودکان گسترش یافتند (هogan، ۲۰۰۶). استفاده از شیوه‌های مؤثر حل مسئله به کودکان کمک می‌کند که در ارتباطات اجتماعی موفق‌تر عمل کنند. هم‌چنین این راهبرد موجب بهبود اعتماد به نفس و رفتارهای انطباقی کودکان می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که مشکلات رفتاری کودکان مانند لج بازی، مشکلات سلوک و رفتارهای ضد اجتماعی با آموزش مهارت‌های حل مسئله و تغییر شناخت، بهبود یافته و افزایش مهارت‌های کنترل خشم و برقراری ارتباط مناسب با هم‌سالان و افزایش پذیرش اجتماعی و بالا رفتن نگرش مثبت نسبت به خود را موجب شده است (گرین و همکاران، ۲۰۰۴). در فرآیند حل مسأله فرد باید در رویارویی با مشکلی که در حال حاضر ایجاد شده است بتواند راه حل‌های زیادی را پیدا کند و سپس با فرآیند تصمیم‌گیری و با در نظر گرفتن پیامدهای هر یک از این راه‌حل‌ها، بهترین آن‌ها را برای رفع مشکل بکار ببندد. بر این اساس افراد نیازمندند که چگونگی تفکر و نه فقط چرایی آن را یاد بگیرند. بعضی افراد حتی قادر به برطرف کردن مسائل روزمره خود نبوده و در مقابل کوچکترین مشکلی که برای‌شان پیش می‌آید، دچار پریشانی، دست‌پاچی، آشفتگی و ناراحتی می‌شوند. افرادی که فاقد توان حل مسائل و مشکلات خود هستند، معمولاً وجود مسئله و مشکل را دلیل بر ضعف، بی‌کفایتی، بی‌لیاقتی و یا بدشانسی خود می‌دانند. مسئولیت ایجاد مشکل را به گردن دیگران انداخته و برای حل آن قدمی بر نمی‌دارند. به‌هنگام مواجهه با مشکل به‌جای اندیشیدن برای حل آن، مدام خود یا دیگران را سرزنش و ملامت می‌کنند. معتقدند یک دنیای خوب، دنیای بدون مشکل است. روش معمول این افراد، اجتناب یا فرار است. معمولاً بدون اندیشه کافی و تکانشی عمل می‌کنند. خودشان را باور نداشته و در مقابل مشکلات احساس درماندگی و ناامیدی می‌کنند. قادر به پیش‌بینی پیامد رفتارهای خود

1. Esra
2. Erozkhan
3. Hogan
4. Greene et al.

و تشخیص راه حل بهینه نیستند. در مقابل این گروه، افراد دیگری نیز وجود دارند که حل مسائل و مشکلات متنوع نه تنها در درون آن‌ها آشوبی ایجاد نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به این سطح از خودآگاهی می‌رساند که با پشت سر گذاردن هر مشکل، درس جدیدی از زندگی گرفته و نقاط ضعف خود را بهبود بخشند (لارسن^۱، ۱۳۸۱). لذا، توانایی حل مسئله بخشی از کفایت اجتماعی و مجموعه‌ای از مهارت‌های به هم پیوسته را جهت استفاده در حل تضادهای میان فردی ارائه می‌کند که مستلزم اقدام به عمل و هم‌چنین واکنش دهی به پاسخ دیگران است. بنابراین، مهارت حل مسئله شامل به‌کارگیری مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی و فراشناختی است که با کمال‌گرایی در دانش‌آموزان رابطه مثبت دارد و پیش‌بینی‌کننده مهارت‌های رفتاری، شناختی و فراشناختی است که دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های خود از آن‌ها استفاده می‌کنند (عرب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). لذا، دانش‌آموزان باید به طور فزاینده به دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی مجهز شوند تا بتوانند خود را با تغییرات و تحولات گنج‌کننده جهان امروز هماهنگ سازند. آن‌ها باید سواد علمی و فناوری را به خوبی سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن بیاموزند و خود را به مهارت‌های حل مساله و تفکر که از آن‌ها به عنوان مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر یاد می‌شود، مجهز نمایند. چرا که یادگیری مادام‌العمر منوط به کسب دانش پایه، مهارت یادگیری و اعتقاد به یادگیری است که از طریق آموزش و یادگیری به روش حل مساله به مرور در فراگیران شکل می‌گیرد (احمدی و عبدالملکی، ۱۳۹۲). در همین ارتباط، پژوهش‌هایی در ایران و جهان انجام شده است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد. پژوهش اسمعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک بر حل مسئله و مؤلفه‌های آن (اعتماد به حل مسائل، گرایش-اجتناب و کنترل شخصی) در بین دانش‌آموزان ابتدایی اثرگذار است. پژوهش جلیلیان و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر افزایش توانایی حل مساله و رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر مثبتی داشته است. در پژوهشی دیگر، اسمعیل‌زاده و الله‌کرمی (۱۳۹۴) نشان دادند که اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک بر بهبود خردورزی و مؤلفه‌های آن (حل مسئله، تفکر انتقادی و تفکر خلاق) موثر است. جعفری و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی نشان دادند که آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد شناختی (کنجکاوی، پرسشگری، استدلال کردن، تفکر انتقادی، خلاقیت، علاقه به آزمایش و تجربه) و بعد عاطفی (علاقه به نظم و ترتیب، اشتیاق، مشارکت جویی، استقلال رای، اعتماد به نفس، ابراز وجود) روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر دارد. پژوهش دویتسچاور و کنراد^۲ (۲۰۱۶) نیز نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های حل مسئله تأثیر مثبت دارد و لذا اگر برنامه آموزش فلسفه به کودکان به‌طور پایداری طراحی و اجرا شود، رشد تفکر عمیق و اندیشه را تسهیل می‌کند. بر اساس پژوهش‌های انجام شده و نقش برجسته فناوری‌های نوین آموزشی در توسعه موفق یادگیری دانش‌آموزان و از آن‌جایی که عملکرد تحصیلی بالا و پیشرفت تحصیلی نیز علاوه بر داشتن هوش، استعداد، انگیزه و غیره با روش‌های یاددهی و یادگیری، محیط آموزشی، توانایی‌های معلم و غیره نیز در ارتباط است و از آن‌جا که برنامه آموزش فلسفه به کودکان یکی از ابزارهایی است که از راه فلسفه‌ورزی نه تنها به بهبود و ارتقاء مهارت‌های فکری می‌پردازد، بلکه موجبات رشد اخلاقی را نیز فراهم می‌کند. از این رو، با توجه به معنای حقیقی تربیت که همانا هدایت آدمی به سوی ارزش‌های والای انسانی است، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که آیا چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی تأثیر دارد؟

1. larsson

2. Duytschaever & Conradie

روش

روش این پژوهش، نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. به صورت کاملاً تصادفی، پژوهشگر گروهی از آزمودنی‌ها را برای اجرای آزمایش انتخاب می‌کند (گروه آزمایش)، سپس متغیری را بر آنان وارد می‌سازد (آموزش فلسفه برای کودک با استفاده از چند رسانه‌ای) و به مشاهده تأثیر آن متغیر بر گروه آزمایشی می‌پردازد. این در حالی است که برای افراد عضو گروه کنترل هیچ‌گونه آموزش و مداخله‌ای انجام نمی‌پذیرد. در دنیای واقعی علوم انسانی، ساخت انسان به شیوه‌ای است که به پژوهشگر امکان رعایت شرایط تصادفی را در انتخاب نمونه و دستکاری متغیرها نمی‌دهد، به همین دلیل، استفاده از طرح‌های نیمه (شبه) آزمایشی در علوم انسانی ضروری است. از سوی دیگر، وقتی از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده می‌شود، وجود گروه کنترل باعث می‌شود که اثر عوامل ناخواسته بر نتایج تحقیق تحت کنترل درآید. جامعه آماری، عبارت از کلیه دانش‌آموزان پایه سوم مقطع ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان قائم‌شهر در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، یک مدرسه دولتی و ۴۰ نفر دانش‌آموز پسر پایه سوم انتخاب شدند که با گمارش کاملاً تصادفی (با استفاده از قرعه‌کشی)، در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و گروه کنترل (۲۰ نفر) جایگذاری شدند. پس از مشخص شدن آزمودنی‌ها و گمارش تصادفی آن‌ها در هر یک از گروه‌های آزمایش و کنترل، از کلیه آزمودنی‌ها، تقاضا شد به سوالات پرسشنامه حل مسئله هپنر (۱۹۸۸) و عملکرد تحصیلی فام و تیلور (۱۹۹۹) به عنوان پیش‌آزمون پاسخ دهند. سپس، برای آزمودنی‌های گروه آزمایش جلسات آموزش فلسفه برای کودک با استفاده از چند رسانه‌ای مطابق با فیلیپ کم (۱۹۹۴) طی ۸ جلسه (هر جلسه به مدت ۴۵ دقیقه) و به مدت یک ماه اجرا شد. در پایان جلسه هشتم از آزمودنی‌ها خواسته شد که مجدد به سوالات پرسشنامه حل مسئله و عملکرد تحصیلی به عنوان پس‌آزمون پاسخ دهند. ابزار اندازه‌گیری عبارت بود از:

پرسشنامه حل مسئله: به منظور سنجش حل مسئله از پرسشنامه حل مسئله هپنر (۱۹۸۸) استفاده شد. این مقیاس دارای ۳۵ گویه و نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای و طیف نگرش سنج لیکرت است، به طوری که به هر ماده از ۱ تا ۶ امتیاز تعلق می‌گیرد (۶: کاملاً موافقم، ۵: به طور متوسط موافقم، ۴: اندکی موافقم، ۳: اندکی مخالفم، ۲: به طور متوسط مخالفم و ۱: کاملاً مخالفم). این پرسشنامه توسط رفعتی (۱۳۷۵) ترجمه و برای اولین بار در ایران استفاده شد و میزان پایایی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۶۸ به دست آمد (خوشکام و همکاران، ۱۳۸۷).

پرسشنامه عملکرد تحصیلی: ابزار سنجش عملکرد تحصیلی اقتباسی از پژوهش‌های فام و تیلور (۱۹۹۹) در حوزه عملکرد تحصیلی است که برای جامعه ایران اعتباریابی شده است (درتاج، ۱۳۸۳). آزمون عملکرد تحصیلی ۴۸ سؤال دارد و نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای و طیف نگرش سنج لیکرت است، به طوری که در پاسخ به هر سؤال، هر گزینه امتیازی از ۱ تا ۵ دارد. آزمودنی برای انتخاب گزینه خیلی کم، ۱ امتیاز؛ کم، ۲ امتیاز؛ تا حدی، ۳ امتیاز؛ زیاد، ۴ امتیاز و خیلی زیاد، ۵ امتیاز، کسب می‌نماید. درحالی که نمره‌دهی به گزینه‌های ۸، ۲۳، ۲۶ و ۳۳ به صورت معکوس است. از سویی، به سوال شماره ۷ امتیازی تعلق نمی‌گیرد. درتاج (۱۳۸۳) جهت ارزیابی روایی سازه از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده کرد که نتایج موید وجود پنج عامل مورد نظر سازندگان یعنی خود کارآمدی، تأثیرات هیجانی، برنامه ریزی، فقدان کنترل پیامد و انگیزش بود. جهت تعیین مقدار پایایی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، میزان پایایی این پرسشنامه برای هر یک از مولفه‌های خود کارآمدی، تأثیرات هیجانی، برنامه ریزی، فقدان کنترل پیامد، انگیزش و کل پرسشنامه (۴۸ گویه) به ترتیب برابر ۰/۹۲، ۰/۹۳، ۰/۷۳، ۰/۶۴، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ است (درتاج، ۱۳۸۳).

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی از طریق برنامه نرم افزاری SPSS²³ در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$) بکارگیری شد. در بخش تجزیه و تحلیل توصیفی، از شاخص‌های آمار توصیفی شامل

میانگین و انحراف استاندارد در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و در گروه‌های آزمایش و کنترل استفاده شد. در بخش تجزیه و تحلیل استنباطی نیز از آزمون تحلیل کوواریانس (ANCOVA) استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱، مقادیر میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای حل مساله و عملکرد تحصیلی را در گروه‌های کنترل و آزمایش و در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای حل مسئله و عملکرد تحصیلی

متغیر	گروه	آزمون	تعداد	میانگین	انحراف معیار
حل مسئله	کنترل	پیش آزمون	۲۰	۲/۶۳	۰/۳۰
		پس آزمون	۲۰	۲/۶۴	۰/۲۹
	آزمایش	پیش آزمون	۲۰	۲/۶۵	۰/۳۱
		پس آزمون	۲۰	۳/۸۸	۰/۲۱
عملکرد تحصیلی	کنترل	پیش آزمون	۲۰	۲/۶۸	۰/۳۲
		پس آزمون	۲۰	۲/۶۹	۰/۳۱
	آزمایش	پیش آزمون	۲۰	۲/۶۹	۰/۲۴
		پس آزمون	۲۰	۳/۹۳	۰/۲۷

جدول ۱، نشان داد تعداد آزمودنی‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل ۲۰ نفر است. میانگین متغیرهای حل مسئله و عملکرد تحصیلی در گروه کنترل و در پیش‌آزمون به ترتیب برابر ۲/۶۳ و ۲/۶۸ و در پس‌آزمون به ترتیب برابر ۲/۶۴ و ۲/۶۹ است. اما، در گروه آزمایش این میزان به ترتیب از ۲/۶۵ و ۳/۸۸ در پیش‌آزمون به ۳/۹۳ و ۳/۸۸ در پس‌آزمون افزایش یافته است. به لحاظ توصیفی، به نظر می‌رسد که افزایش معنی‌داری در میزان حل مسئله و عملکرد تحصیلی آزمودنی‌های گروه آزمایش و در پس‌آزمون رخ داده است.

جدول ۲، مقادیر آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف برای سنجش نرمال بودن هر یک از متغیرهای حل مسئله و عملکرد تحصیلی در گروه‌های کنترل و آزمایش و در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۲: آزمون K-S جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	آزمون‌ها	گروه آزمایش			گروه کنترل		
		Sig.	K-S	n	Sig.	K-S	n
حل مسئله	پیش آزمون	۰/۱۹۱	۰/۱۹۱	۲۰	۰/۱۴۴	۰/۱۹۴	۲۰
	پس آزمون	۰/۱۹۷	۰/۱۲۲	۲۰	۰/۱۳۹	۰/۱۹۳	۲۰
عملکرد تحصیلی	پیش آزمون	۰/۱۸۷	۰/۱۶۴	۲۰	۰/۱۰۱	۰/۲۰۲	۲۰
	پس آزمون	۰/۲۰۵	۰/۰۹۰	۲۰	۰/۱۱۳	۰/۱۹۹	۲۰

جدول ۲، نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$)، هر یک از متغیرهای حل مسئله و عملکرد تحصیلی در هر یک از گروه‌های آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون، از یک توزیع نرمال برخوردار هستند، چرا که مقدار سطح معناداری (Sig.)، از مقدار $\alpha=0/05$ بزرگتر است.

جدول ۳، مقادیر آزمون لون برای سنجش برابری واریانس‌ها در متغیرهای حل مسئله و عملکرد تحصیلی را در گروه‌های کنترل و آزمایش نشان می‌دهد.

جدول ۳: آزمون لون جهت بررسی برابری واریانس‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل

Levene's Test			گروه	متغیر
Sig.	F	n		
		۲۰	کنترل	
۰/۰۷۶	۳/۲۵	۲۰	آزمایش	حل مسئله
		۲۰	کنترل	
۰/۴۷۵	۰/۵۲	۲۰	آزمایش	عملکرد تحصیلی

جدول ۳، نشان داد در متغیرهای حل مسئله و عملکرد تحصیلی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$)، فرض همگنی واریانس گروه‌های آزمایش و کنترل مورد تایید داده‌ها است، چرا که مقدار به دست آمده برای سطح معناداری (Sig.)، از مقدار $\alpha=0/05$ بزرگتر است.

جدول ۴، مقادیر آزمون تحلیل کوواریانس (آنکوا) برای سنجش تاثیر چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله دانش‌آموزان را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تاثیر چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله دانش‌آموزان

Sig.	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات	متغیر
۰/۰۰۰	۲۱/۷۵	۰/۱۷	۱	۰/۱۷	آزمون	حل مسئله
۰/۰۰۰	۱۹۲۱/۸۲	۱۵/۵۵	۱	۱۵/۵۵	گروه	
-	-	۰/۰۱	۴۷	۰/۳۷	خطا	
-	-	-	۴۹	۱۶/۰۹	کل	

جدول ۴، نشان داد پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$)، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات حل مسئله آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و در گروه‌های کنترل و آزمایش وجود دارد، چرا که مقدار سطح معناداری (Sig.) از مقدار $\alpha=0/05$ کوچک‌تر است. بنابراین، می‌توان چنین استنباط نمود که بکارگیری چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله دانش‌آموزان تاثیر دارد و آن را بهبود می‌بخشد.

جدول ۵، مقادیر آزمون تحلیل کوواریانس (آنکوا) برای سنجش تاثیر چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تاثیر چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig.
عملکرد	آزمون	۰/۴۲	۱	۰/۴۲	۱۱/۳۳	۰/۰۰۲
تحصیلی	گروه	۲۹/۳۷	۱	۲۹/۳۷	۷۸۵/۴۵	۰/۰۰۰
	خطا	۱/۷۶	۴۷	۰/۰۴	-	-
	کل	۳۱/۵۵	۴۹	-	-	-

جدول ۵، نشان داد پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$)، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات عملکرد تحصیلی آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون و در گروه‌های کنترل و آزمایش وجود دارد، چرا که مقدار سطح معناداری (Sig.) از مقدار $\alpha = 0/05$ ، کوچک‌تر است. بنابراین، می‌توان چنین استنباط نمود که بکارگیری چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر دارد و آن را بهبود می‌بخشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر قائم‌شهر انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بکارگیری چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر میزان حل مسئله و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر دارد و آن را بهبود می‌بخشد. نتیجه به دست آمده با یافته‌های دویتسچاور و کنراد (۲۰۱۶)، اسمعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، جلیلیان و همکاران (۱۳۹۵)، جعفری و همکاران (۱۳۹۴)، اسمعیل‌زاده و الله‌کرمی (۱۳۹۴) و احمدی و عبدالملکی (۱۳۹۲) همسو است. بنابراین، با بکارگیری روش‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات از جمله یادگیری الکترونیکی (چند رسانه‌ای) آموزش فلسفه برای کودک می‌تواند میزان مهارت‌های حل مسئله و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی را ارتقاء بخشد. علاقه به توسعه توانایی‌های فکری پدیده‌ای نیست که در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته باشد، چنین علاقه‌ای در تاریخ تعلیم و تربیت ریشه دارد. انسان امروزی بیش از هر زمان دیگری با گنجینه عظیمی از دانش و تجارت بشری مواجه است و هر روز نیز بر گستره و سیطره این گنجینه افزوده می‌شود. علیرغم این که دسترسی به این گنجینه یا اطلاعات از طریق منابع متعدد به سهولت میسر شده است، اما حل مسائل، قضاوت، انتخاب و گزینش اطلاعات مناسب و به هنگام از بین انبوه اطلاعات به کاری بس دشوار تبدیل شده است و نیازمند مهارت‌های فکری و ذهنی بالایی است. متأسفانه مدارس امروز، به دلیل ارتقاء و پیشرفت‌های علوم و فنون و با توجه به بعضی از رویکردهای روان‌شناختی، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق علمی معطوف نموده و از تربیت انسان‌های متفکر و خلاق فاصله گرفته‌اند. اما کودکان از حس کنجکاوی طبیعی برخوردارند و تمایل دارند محیط‌های فیزیکی و روانی را کشف نمایند. چنانچه ذهن کودک را درگیر مباحث فلسفی کنیم، می‌توانیم نحوه تفکر او را رشد دهیم. از همین رو، فلسفه برای کودکان یک اقدام آموزشی است که به بهبود تفکر و حل مسأله در کودکان می‌پردازد و فلسفه را به عنوان شیوه‌ای برای پرورش تفکر و قضاوت اخلاقی، انتقادی و خلاق مورد استفاده قرار می‌دهد. پرورش مهارت‌های تفکر، استدلال و قضاوت اخلاقی اموری بسیار مشکل هستند، ولی غیر ممکن نیستند چرا که تحقیقات انجام گرفته در دهه‌های اخیر نشانگر آن است که تفکر آموزش‌پذیر است، یعنی می‌توان تغییرات پایدار چشمگیری در عملکرد شناختی

افراد ایجاد کرد. لذا هنگامی که یادگیرنده با موقعیتی روبرو می‌شود که نمی‌تواند با استفاده از اطلاعات و مهارت‌هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت سریعاً پاسخ بدهد یا وقتی که یادگیرنده هدفی دارد و هنوز راه رسیدن به آن را نیافته است، با یک مسأله رو به رو است. بنابراین، عنصر اساسی حل مسئله کاربست دانش‌ها و مهارت‌های قبلاً آموخته شده در موقعیت‌های تازه است. این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی روبرو بوده است که محدود کردن پژوهش به دانش‌آموزان پسر پایه سوم، محدود کردن آموزش فلسفه برای کودک به صورت چندرسانه‌ای، محدود کردن پژوهش به بررسی متغیرهای حل مسئله و عملکرد تحصیلی با پرسشنامه‌های بسته پاسخ و امکان تأثیر نحوه رفتار، طرز برخورد، شخصیت و ویژگی‌های فردی معلم بر عملکرد دانش‌آموزان در حین اجرای پژوهش، از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش به‌شمار رفته که نیاز است در تعمیم اطلاعات به جوامع دیگر، نهایت دقت و مراقبت به‌عمل آید. بر اساس نتایج و یافته‌ها به معلمان گرامی در کلیه مقاطع تحصیلی، پیشنهاد می‌شود، جهت افزایش مهارت‌های حل مسئله و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان به خصوص آن دسته از دانش‌آموزانی که ضعف آن‌ها در این زمینه مشهود است، از آموزش‌های مبتنی بر چندرسانه‌ای‌ها و الگوهای مناسب طراحی آموزشی در کنار روش‌های سنتی تدریس استفاده نمایند. لازم است در صورت نا‌آشنایی و یا ضعف دانشی، با مطالعه و پژوهش، آگاهی و دانش خود را در خصوص یادگیری الکترونیکی افزایش دهند. همچنین، به معلمان گرامی در کلیه مقاطع تحصیلی، پیشنهاد می‌شود، در بکارگیری روش‌های تدریس اعم از سنتی یا الکترونیکی، به توانمندی‌های دانش‌آموزان توجه کافی و وافی داشته باشید. گاهی ضعف دانش‌آموزان در چگونگی استفاده از نرم افزارهای آموزشی و فرآیندهای آموزش الکترونیکی خود موجب اختلال در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. پیشنهاد می‌شود، جهت آموزش فلسفه به کودک، بر رعایت آداب بحث یا قوانین اجرایی در کلاس، مفاهیم انتخابی برای بحث (متناسب بودن با سن کودک و غیره) و مشارکت همه دانش‌آموزان در گفتگو، توجه و دقت کافی و لازم به عمل آید. پیشنهاد می‌شود، جهت آموزش فلسفه به کودک، از آن‌جا که کودکان مفاهیم فکری را از طریق داستان بهتر می‌آموزند و لذت‌بخش است، از آنان خواسته شود که در وهله نخست، داستان را به زبان خودشان بازگو کنند، دلایل ارائه نظرات‌شان درباره داستان و در نهایت نتیجه‌گیری خود از آن داستان را بیان کنند. توصیه می‌شود این پژوهش با سایر ابزارهای اندازه‌گیری (مصاحبه، مشاهده و یا پرسشنامه‌های دیگر) اجرا شود. این پژوهش در پایه‌ها و مقاطع مختلف تحصیلی و دانش‌آموزان از هر دو جنسیت اجرا گردد. این پژوهش در مورد مباحث دیگری نظیر انگیزش تحصیلی، خودپنداره، عزت نفس و خودشکوفایی و غیره نیز صورت پذیرد.

منابع

- احمدی، غلامعلی و عبدالملکی، شوبو. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر الگوی حل مسأله بر خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس شیمی. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۵(۱)، ۱-۲۱.
- اسمعیل‌زاده، تیمور و الله‌کرمی، آزاده. (۱۳۹۴). اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) و بررسی تأثیر آن بر خرد ورزی دانش‌آموزان ابتدایی. *دو فصلنامه تفکر و کودک*، ۶(۱۲)، ۱-۲۱.
- اسمعیل‌زاده، تیمور؛ الله‌کرمی، آزاده و موسوی، فرانک. (۱۳۹۷). اثربخشی چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی. *نشریه فناوری آموزش*، ۱۲(۴)، ۳۲۹-۳۳۸.
- بهرنگی، محمدرضا و رشیدی، شیرین. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تدریس درس فلسفه آموزش و پرورش با الگوی مدیریت آموزش، بر یادگیری اثربخش دانشجویان ترم دوم کارشناسی مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی^(۵). *فصلنامه ارزش-شناسی در آموزش*، ۱(۱)، ۴۱-۴۹.

- پروینیان، مژگان؛ رحیمزاده، لعلیا؛ تاجبخش، فرزانه و طالقانی، لیا. (۱۳۹۲). طرح بحث برای مدیریت کلاس فلسفه و کودک. تهران: نشر موسسه بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- جعفری، زهره؛ صمدی، پروین و قائدی، یحیی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۲(۱۷)، ۴۱-۴۹.
- جلیلیان، سهیلا؛ عظیم‌پور، احسان و جلیلیان، فریبا. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسأله و قضاوت اخلاقی در دانش آموزان. *نشریه پژوهش های تربیتی*، ۳(۳۲)، ۸۰-۱۰۱.
- حسینی، محمد رضا؛ و نوری، یوسف. (۱۳۹۴). *الگوی کاربردی هوشمندسازی مدارس*. تهران: نشر دانش آفرین.
- خانیک، هادی؛ نوری راد، فاطمه و شاه حسینی، وحیده. (۱۳۹۶). مطالعه روند شکل‌گیری گفت‌وگوی کندوکاو محور در کلاس فلسفه برای کودکان. *دو فصلنامه تفکر و کودک (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)*، ۸(۲)، ۲۱-۵۸.
- خوشکام، هادی؛ ملک‌پور، مختار و مولوی، حسین. (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش حل مسأله گروهی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با آسیب بینایی. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۸(۲)، ۱۴۱-۱۵۶.
- درتاج، فربرز. (۱۳۸۳). *بررسی تأثیر شبیه سازی ذهنی فرآیند و برآیند در بهبودی عملکرد تحصیلی دانشجویان، ساخت و هنجاریابی آزمون عملکرد تحصیلی*. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- دره زرشکی، نسرین؛ بزرگ بفرئی، کاظم و زندوانیان، احمد. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش فلسفه به شیوه حلقه کندوکاو بر تفکر انتقادی در دانش آموزان دوره ابتدایی. *مجله روان‌شناسی شناختی*، ۵(۲)، ۶۱-۷۰.
- رضایی راد، مجتبی. (۱۳۹۲). شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر در به کارگیری یادگیری سیار در آموزش عالی. *رویکردهای نوین آموزشی*، ۸(۲)، ۹۳-۱۱۲.
- شریف‌خلیفه‌سلطانی، سیدمصطفی؛ کریمی علویچه، مهدی و مظاهری، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی چالش‌های کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند یاددهی و یادگیری. *فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۱(۳)، ۲۳-۴۲.
- عربزاده، مهدی؛ کدیور، پروین و دلاور، علی. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خودگردان بر مهارت حل مسئله اجتماعی دانش آموزان. *دوفصلنامه شناخت اجتماعی*، ۳ (ویژه نامه)، ۷۱-۸۲.
- لارسن، لورن سی. (۱۳۸۱). *حل مساله از طریق مساله*. (ترجمه علی ساوجی، یحیی تابش، مهدی مدغم، امیدعلی کرمزاده). تهران: نشر فاطمی.
- ماهرزاده، طیبیه و رمضان‌پور، شیوا. (۱۳۹۰). تأثیر روش اجتماع پژوهشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های شهروندی. *فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی*، ۷(۳)، ۳۱-۶۴.
- یزدانی، امین. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی سرسختی و تاب آوری با موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- Costa, A. (2006). Five Themes in a Thought-Full Curriculum Thinking Skills and Creativity. *Thinking Skills and Creativity*, 1(1), 62-66.
- Duytschaever, I., & Conredie, P. (2016). Philosophy with Children: Helping Designers Cooperate with Children. *IDC '16 Proceedings of the The 15th International Conference on Interaction Design and Children*, 736-741.
- Erozkan, A. (2013). The effect of communication skills and interpersonal problem solving skills on social self-efficacy. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 13(2), 739-745.

- Esra, D. (2013). Adaptation of social problem solving for children questionnaire in 6 age groups and its relationships with preschool behavior problems. *Edam Education Consultancy*, 13(1), 491- 498.
- Greene, R. W., Ablon, J. S., Gorong, J. C., RaezerBlakely, L., & Markey, J. (2004). Effectiveness of collaborative problem solving in affectively dysregulated children with oppositional defiant disorder: Initial findings. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72(6), 1157-1164.
- Halkett, R. (2002). E-learning and how to survive it. *Industrial and Commercial Training*, 34(2), 80-82.
- Hogan, M. J. (2006). Cultivating Thought-Full and Creative Thinkers: A Comment on Quality Merging Costa with Claxton et al. *Thinking Skills and Creativity*, 1(2), 152-154.
- Perla, E., & O'Donnel, B. (2004). Encouraging problem solving in orientation and mobility. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, (98), 47-52.

